



واژه‌نامه که بخش عمده این کتاب را تشکیل می‌دهد، برگرفته از داده‌های میدانی این هیئت است. در این بخش علاوه بر توضیحات زبان‌شناختی و اشتقاق، شرح مفاهیم و باورهایی که با واژه‌های سرمدخل بیان می‌شوند، آمده است. واژه‌ها و نام‌ها به خط لاتینی آوانویسی شده‌اند و جدول حروف لاتینی و نیز نشانه‌ها در ابتدای واژه‌نامه آمده است. در انتخاب واژه‌های این واژه‌نامه، که بر پایه الفبای آوانگاری تدوین شده، گونه‌های اصیل ارجحیت داده شده است. واژه‌های عربی و ترکی، به جز آنهایی که دگرگونی آوایی اصیل گویش‌ها را می‌رسانند یا معنا و کاربردی متفاوت از زبان معیار دارند، حذف شده‌اند و واژه‌های عربی متداول در گویش‌های کاشان در واژه‌نامه آمده‌اند. واژه‌های هم‌ریشه و هم‌معنی بیشتر در یک مدخل گنجانده شده‌اند و سپس هریک به صورت جداگانه به مدخل اصلی ارجاع داده شده‌اند. در بخش ریشه‌یابی واژه‌ها، در وهله نخست واژه‌های اصیل و تکواژه‌های

آساطوریان، گارنیک، نمرنگ گویش‌های کاشان، زیر نظر حسین محلوجی، تهران، ۱۳۹۵، ۴۶۰ صفحه.

کتاب حاضر بر پایه داده‌هایی تدوین شده است که هیئتی از استادان و پژوهشگران بخش ایران‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان و مرکز ایران‌شناسی قفقاز در تابستان و پاییز ۲۰۰۵ میلادی (۱۳۸۴ش) به سفارش بنیاد فرهنگ کاشان، طی چند ماه و چند نوبت از روستاهای هنجن، کمجان، یارند، طره، ایبانه، فریزهند، بیدهند، تکیه‌سادات، ولوگرد، چیمه، جوشقان، ازوار، برزک، ویدوج، ابوزیدآباد، خالدآباد، نراق، نوش‌آباد، قهرود، محلات، دلجان، بیجگان و دیگر مناطق اطراف گردآورده و ثبت کرده‌اند.

پیکره اصلی کتاب شامل مقدمه و واژه‌نامه است. برخی مسائل زبان‌شناختی، نظام جای‌نام‌های منطقه، روش تحقیق و نیز پی‌نوشت‌ها در مقدمه آمده است. مدخل‌های

گویشی معرفی شده‌اند. در آوانگاری واژه‌ها به جنبه تاریخی بیشتر توجه شده، اما جزئیات تلفظی واژه‌ها نیز بسته به ویژگی‌های آوایی گویش‌ها همواره در نظر بوده است. در برخی مدخل‌ها، وجود تنها یک نمونه از یک گویش، دلیل بر آن نیست که این واژه در مناطق دیگر وجود ندارد، بلکه سعی بر آن بوده است که واژه‌هایی در واژه‌نامه بیابند که به طور حضوری ثبت شده‌اند. واژه‌های بازسازی شده نیز با علامت ستاره مشخص شده‌اند.

این واژه‌نامه به مثابه گنجینه‌ای بنیادین، دایره‌ای غنی از اصطلاحات کشاورزی و دامداری، نام‌های گیاهان، جانوران، پدیده‌های طبیعی، اصطلاحات روابط اجتماعی و دیگر پندارهای وابسته به محیط زیست، رسم‌ها و آیین‌های ساکنان گستره کاشان را در بردارد. این اصطلاحات بسیاری از عناصر کهن واژه‌های ایرانی باستان را در بر دارند و به این جهت منبع معتبری، نه تنها برای پژوهش‌های همه‌جانبه در زمینه واژه‌شناسی تاریخی و تدوین اطلس گویشی زبان‌های ایرانی، بلکه برای تدوین تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منطقه و نیز تحقیقات در واژه‌شناسی هم‌زمانی و مطالعه شیوه و نظام واژه‌سازی محسوب می‌شود.

مریم رضایی

انصاف‌پور، نسرین و ضیایی، محمدرفعی، *واژه‌نامه گویش مردم اوز، همراه با اصطلاحات، مصدرها، ضرب‌المثل‌ها و دستور زبان اوزی، اختران، تهران، ۱۳۹۶، ۱۲۸۰ صفحه، مصور.*

براساس گفته نویسنده‌گان، شهرستان اوز در شهر لارستان استان فارس واقع است. این شهرستان دو دهستان و ده روستا و جمعیتی حدود چهل و پنج هزار نفر دارد. نویسندگان صورت‌های گوناگون و ناهمسانی را برای تلفظ شهر اوز در جای‌های گوناگون کتاب آورده‌اند، مانند اوز بر روی جلد و فهرست‌نامه‌ها، اوز در صفحه عنوان، اوز در سرفصل‌ها و متن کتاب و اوز در متن کتاب. بنابراین روشن نیست که تلفظ درست یا تلفظ معیار ایشان کدام است و توضیحی درباره گوناگونی این آرا و تلفظ رایج داده نشده است.

کتاب با گفتاری در گرامی‌داشت یاد محمدرفعی ضیایی، یکی از نویسندگان کتاب، و معرفی فعالیت‌ها و آثار او آغاز می‌شود. در بخش پیشگفتار به چگونگی گردآوری داده‌های کتاب پرداخته شده است و سپس نویسنده کوشیده است جایگاه گویش اوزی را در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی مشخص کند. در بخش دیگر، با عنوان درباره اوز، نویسندگان توضیحاتی پیرامون اوضاع جغرافیایی، تاریخی، اقلیم، آب‌وهوا، گویش، گفته‌های پیشینیان درباره اوز، رویدادهای معاصر، اوضاع اقتصادی و معیشتی و فرهنگی و علمی و اجتماعی داده‌اند. در ادامه، جدول نشانه‌های اختصاری و جدول نشانه‌های آوایی ترسیم شده است. پس از آن، در بخشی با نام ویژگی‌های گویش اوزی، نویسندگان در ۲۹ بند کوشیده‌اند ویژگی‌های آوایی و تاریخی و ریشه‌ای این گویش را بررسی کنند. روش نویسندگان در این بررسی علمی نیست. در بخش دستور زبان

که خارج از روش فرهنگستانی گردآوری و چاپ می‌شوند.

عفت امانی

رزّاقی، سیدطیّب، گنجینه گویش‌های ایرانی: استان اصفهان ۳ (دفتر سوم)، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۵، ۳۹۰ صفحه.

دفتر سوم گنجینه گویش‌های ایرانی: استان اصفهان ۳ به‌همت سید طیّب رزّاقی گردآوری و تدوین شده است. مقدمه این دفتر به‌قلم دکتر حسن رضائی باغبیدی است. تحقیق حاضر با الگوبرداری از دفاتر گنجینه گویش‌شناسی فارس و مجلدات پیشین دیگر نه گویش را در بردارد. گویش‌های این دفتر به‌ترتیب عبارت‌اند از: آذرانی، ابوزیدآبادی، ازواری، برزکی، تُمساجی، تجره‌ای، قهرودی، ویدوجی و ویدوجایی.

در آغاز این دفتر، مؤلف معرفی کوتاهی از گویش‌های گردآوری‌شده به دست می‌دهد و به دنبال آن به معرفی مناطق مورد مطالعه و گویشوران این دفتر می‌پردازد. نکات دستوری گویش‌های گردآوری‌شده بخش بعدی کتاب است و مواردی چون ساختمان فعل، نشانه‌های مصدری، اسم، صفت و ضمائر را شامل می‌شود. همه این موارد در چارچوب دستور سنتی معرفی و تحلیل شده‌اند، اما اظهارات مؤلف در خصوص جنسیت در این گویش‌ها بازبینی و بررسی‌های زبان‌شناختی دقیق‌تری را می‌طلبد.

اوزی، ساختواژه این گویش در ۳۷ صفحه بررسی شده است. این بررسی دسته‌بندی و بخش‌بندی نظام‌مندی ندارد و نیز بدون اصطلاحات علمی و فنی است. در بخش دیگر با عنوان «صرف افعالی از چند مصدر در زمان‌های مختلف»، نویسندگان ۲۱ فعل را به‌درستی صرف کرده‌اند اما فعل‌ها با خط فارسی آوانگاری شده است و تلفظ درست را به دست نمی‌دهد. در بخش «شرحی بر مصدرهای گویش اوزی»، ساختار مصدر و وند مصدرساز توصیف شده و سپس در ۵۵ صفحه و به‌ترتیب الفبای فارسی معیار به گویش، مصدرهای ساده و مرکب، فهرست و توصیف شده‌اند.

پس از این پیشگفتارها با واژه‌نامه‌ای بسیار مفصل و داده‌هایی ارزشمند روبه‌رو می‌شویم. پیکره گردآوری‌شده در این کتاب بسیار مفید و پرواژه است، با گوناگونی واژگانی که برای توصیف و بررسی کامل یک گویش نیاز کاربر را برطرف می‌سازد. اما به‌سبب روش الفبایی این واژه‌نامه که از گویش به فارسی معیار مرتب شده است، و چه خوب و کارآمد بود اگر مانند بخش مصدرها الفبایی از فارسی معیار به گویش می‌بود، و نیز آوانگاری‌ها که گاه دقیق نیستند، کاربر زمان و زحمت بسیاری باید بگذارد تا بتواند برابر واژه مورد نظرش در فارسی معیار را در این گویش بیابد و چه‌بسا یافتن یک واژه ناممکن باشد و کاربر ناگزیر شود سرتاسر واژه‌نامه را بخواند تا بتواند به واژه مورد نظر دست یابد. این ضعف همیشگی بیشتر واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های گویشی است

درخشان‌رکنی و ندا از کیا هستند. کتاب با دیباچه‌ای در توضیح حوزه پژوهشی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری آغاز می‌شود. پس از فهرست مطالب و جداول، پیش‌درآمدی است به قلم نویسندگان کتاب که در آن روش پژوهش کتاب توضیح داده شده است و ضمن آن به تأخیر ده‌ساله چاپ کتاب پی می‌بریم. در ادامه مقدمه‌ای کوتاه از مدیر وقت پایگاه میراث فرهنگی ایبانه گنجانده شده است و سپس در مقدمه‌ای دیگر مطالبی درباره ایبانه آمده است.

براساس گفته نویسندگان، روستای ایبانه به سبب معماری ویژه، رنگ خاک، آداب و آیین‌ها و آب‌وهوای آن از روستاهای زیبا و گردشگرپذیر ایران است. ایبانه از روستاهای دهستان بزررود از بخش حومه شهرستان نطنز در استان اصفهان است. گویش ایبانه از گویش‌های مرکزی ایران و از دسته شمال شرقی است.

کتاب یک دیباچه، یک پیش‌درآمد، دو مقدمه، سیزده جدول و چهار پیوست دارد. در بخش نخست نویسندگان ویژگی‌های گویش ایبانه را در دو بخش ویژگی‌های آوایی و ویژگی‌های صرفی و نحوی بررسی کرده و ضمن این بررسی جدول‌هایی با عنوان‌های «صرف افعال لازم»، «صرف افعال متعدی»، «ضمایر و صفت متصل و منفصل» و «صفات اشاره دور و نزدیک» ترسیم کرده و در ادامه بررسی‌های زبانی، مراحل تألیف واژه‌نامه را توضیح داده‌اند. براساس این توضیحات، واژه‌نامه از طریق پژوهش میدانی گردآوری

در جدول آوانگاری و نظام آوایی (ص ۳۷)، ذیل ستون واژه‌ها، تعابیر غیرمصطلح و ناآشنایی چون آ (پیشین‌شده)، ا (کوتاه و پیشین)، ا (کوتاه و پیشین‌شده)، ا (کشیده و پسین) و... با نشانه‌های برساخته مؤلف در برابر هریک آمده است که مؤلف خود به ناچار برای روشن شدن مطلب به زیرنویس متوسل شده است. جا دارد در این قبیل تحقیقات از نشانه‌های پذیرفته‌شده و رایج در حوزه آواشناسی و تعابیر مصطلح زبان‌شناختی استفاده شود تا ضمن افزایش اعتبار علمی اثر، کار مطالعه و بررسی نزد محققان و اهل فن سهل‌تر شود.

بدنه اصلی کتاب را واژه‌های موضوعی مشتمل بر ۱۷ موضوع و یک‌صد جمله با معادل آنها در هر نُه گویش تشکیل می‌دهد. در پایان کتاب نمایه فارسی آمده است که کار مراجعه به مدخل‌ها را آسان می‌سازد. چنانچه همانند سایر سازمان‌های تحقیقاتی معتبر جهان این‌گونه گردآوری‌های زبانی با یک فایل صوتی در قالب لوح فشرده (CD) همراه باشد، ضمن سودمندی بیشتر بر اعتبار علمی اثر نیز می‌افزاید.

علی مصریان

صناعتی، مرضیه و همکاران، *واژه‌نامه گویش ایبانه*، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ۱۳۹۴، ۴۱۴ صفحه.

همکاران نویسنده در تدوین این کتاب تینا

عنوان‌های زیر ترسیم شده‌است: «همخوان‌ها»، «همخوان‌های گویش ایبانه‌ای در آوانویسی تفصیلی»، «واکه‌ها»، «واکه‌های گویش ایبانه‌ای در آوانویسی تفصیلی»، «نشانه‌های زیروزیری گویش ایبانه‌ای»، «نشانه‌های اختصاری»، «نشانه‌های راهنما»، «نشانه‌های آوانویسی کلی» و «جدول الفبایی آوانگاری بین‌المللی (IPA)». پیوست‌های کتاب با چهار عنوان «واژه‌نامه ایبانه‌ای - فارسی» با آوانویسی تفصیلی، فهرست افعال ایبانه‌ای، فهرست اسامی خاص مکانی، و فهرست پیشوندها و پسوندها، موضوعات پایانی کتاب‌اند. در بخش واژه‌نامه، کاربرد با واژه‌نامه‌ای دوسویه روبه‌رو است. واژه‌نامه‌های دوسویه مفیدترین نوع واژه‌نامه‌ها در تدوین فرهنگ‌های گویشی است، چراکه افزون‌بر رفع نیاز کاربر و آسان شدن دسترسی به واژه‌ها راهنما و راهگشایی مفید و آسان برای دیگر پژوهش‌ها، به‌ویژه پژوهش‌های آوایی، است. در آغاز پیوست‌ها «واژه‌نامه ایبانه‌ای - فارسی» تنظیم شده است که در آن واژه‌ها به ترتیب الفبای ایبانه‌ای به فارسی‌اند یعنی واژه ایبانه‌ای مدخل شده و سپس برابر فارسی معیار آن آورده شده است. پس از آن «واژه‌نامه فارسی به ایبانه‌ای» گنجانده شده و در آن واژه‌ها به ترتیب الفبای فارسی است، یعنی در آغاز واژه فارسی معیار مدخل شده و سپس برابر آن در گویش ایبانه‌ای آورده شده است. واژه‌نامه فارسی به ایبانه‌ای با خط لاتینی آوانگاری نشده و آوانگاری‌ها با خط فارسی است. پیوست دو، یعنی فهرست افعال ایبانه‌ای نیز با خط لاتینی آوانگاری نشده و آوانگاری تفصیلی ندارد،

شده است. در مرحله نخست گردآوری داده‌ها، در سال ۱۳۸۱ پرسش‌نامه‌ای با عنوان «پرسش‌نامه تحلیل زبانی ویژه گونه‌های زبانی رایج در ایران» اساس گردآوری قرار می‌گیرد. این پرسش‌نامه را گروه پژوهش زبان و گویش رایج میراث فرهنگی براساس «پرسش‌نامه برای گردآوری گویش‌ها» تألیف بهرام فره‌وشی و فهرست دویست‌تایی واژگان پایه مورس سوادش، گردآوری کرده است اما براساس گفته نویسندگان، با تغییراتی اساسی و حذف و اضافه‌هایی، به‌روزرسانی شده است تا در نهایت ۲۵۰۰ واژه در ۴۶ مقوله و حوزه معنایی متفاوت به‌دست آمده است. نویسندگان به پرسش‌نامه بسنده نکرده و در مرحله‌ای دیگر از گویشوران خواسته‌اند تا مراسم یا شعری را به گویش خود بگویند و ترجمه کنند. پایان گردآوری پرسش‌نامه و رفع همه ابهامات آن سال ۱۳۸۶ است.

نویسندگان توضیح می‌دهند که روش آوانویسی در این کتاب در دو نوع تفصیلی و کلی است و آوانویسی کلی برای کاربران ناآشنا به نشانه‌های آوانگاری و غیرمتخصصان انجام شده و شبیه به آوانویسی فرهنگ‌ها است. پس از این توصیفات، نویسندگان در بخش قدردانی، با فهرست کردن نام گویشوران از آنها سپاسگزاری کرده‌اند. نویسندگان در ادامه در بخشی با عنوان «ویژگی‌های واژه‌نامه و راهنمای استفاده از آن» نمای کلی واژه‌نامه، نشانه‌های اختصاری به‌کاررفته در آن و مدخل‌ها را با آوردن مثال‌هایی توضیح داده‌اند. در پایان، پس از فهرست منابع، سه جدول با

فعل‌ها به ترتیب الفبای ایبانه‌ای به فارسی تنظیم شده و برابر فارسی آنها آورده نشده است، مدخل مصدر است و صورت سوم شخص مفرد گذشته ساده و صورت امر فعل‌ها در برابر مدخل آورده شده است. پیوست سه، یعنی فهرست اسامی خاص مکانی، به ترتیب الفبای گویش به فارسی تنظیم شده است و آوانگاری تفصیلی و برابر فارسی دارد. فهرست چهار، یعنی پیشوندها و پسوندها نیز به ترتیب الفبای ایبانه‌ای به فارسی مدخل شده است و آوانگاری تفصیلی و مثال دارد.

عفت امانی

میرفخرایی، مهشید، زردشت و گاهان (بررسی دستوری و محتوایی دو فصل ۴۷ و ۴۸ سپتامینوگاه - اوستا و زند)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۶، ۱۵۵ صفحه.

زردشت و گاهان در چهار فصل و ۱۵۵ صفحه با هدف تحلیل زبان‌شناختی دو فصل (۴۷ و ۴۸) گاهان و زند تألیف شده است. اما، به‌علاوه آن، حاوی مقدمه نسبتاً مفصلی درباره گاهان، شامل شواهد اوستایی جدید درباره ترتیب آن، نظر اوستاشناسان درباره آن، ارجاع‌های درون‌متنی گاهان درباره نام زردشت، آموزه‌های دو مینوی نخستین، فرشکرد، دعاها، مقدس و تألیف شفاهی، یسن هفت‌ها، پدیدآورنده و وزن گاهان، است. این مقدمه دلیل نام‌گذاری کتاب را نیز روشن

می‌سازد و مطالب بسیار مفیدی در زمینه‌های بالا و با اشاره به دیدگاه‌های مختلف در تفسیر گاهان را دربردارد. خوانندگان این مطالب را در جای دیگری جز این کتاب به این صورت دسته‌بندی شده و مرتب، با ارجاع به دیدگاه‌های مختلف تفسیر و ترجمه گاهان، نخواهند یافت و از این رو مقدمه این کتاب برای پژوهشگران و علاقه‌مندان گاهان منبعی بسیار ارزشمند است.

فصل دوم کتاب به بررسی زبان‌شناختی متن اوستایی فصل‌های ۴۷ و ۴۸ می‌پردازد. برای هر فصل به‌طور جداگانه، ابتدا مضمون کلی فصل آمده است. سپس متن به خط اوستایی و با حرف‌نویسی می‌آید و بعد از آن به فارسی ترجمه شده است. این ترجمه فارسی از آن منظر اهمیت دارد که با در نظر گرفتن ملاحظات زبان‌شناختی صورت گرفته است که در زبان فارسی نظیر ندارد. نکاتی درباره برخی از این ملاحظات به صورت یادداشت در پایان فصل دوم آمده است.

فصل سوم، به متن زند، که برگردان کهن متن اوستایی به فارسی میانه است، اختصاص دارد. در مقدمه‌ای که بر این فصل نوشته شده است، درباره ویژگی‌ها، تاریخ نسبی این ترجمه‌ها و مکاتب تفسیری، سنت و علت ترجمه متن‌های اوستایی به فارسی میانه، روش ترجمه هم در شکل بیرون و هم در نحو و تفسیر، طریقه برگرداندن مقوله‌های صرفی و واژه‌های اوستایی به فارسی میانه و سپس به طور خاص درباره ترجمه پهلوی گاهان توضیحاتی دیده می‌شود. مطالبی که درباره ترجمه پهلوی گاهان و تغییر کاربرد و گم

بند که حاوی یکی از این نام‌ها است، تا چه اندازه نیاز به دانش یکپارچه از کل متون مقدس زردشتی دارد، و بنابراین مشکل است؛ و دوم آنکه تا چه اندازه می‌تواند بسته به نگاه و برداشت مترجم متفاوت باشد. البته، چنین ویژگی‌ای، به دلیل غنای ادبی و رمزی متن گاهان است و از ویژگی‌های جهانی مهم متون دینی محسوب می‌شود.

فصل سوم همچنین، حاوی متن زند به خط پهلوی، آوانویسی، و ترجمه به زبان فارسی است. ترجمه متون زند به خودی خود مشکل است و نیازمند درک درستی از زبان اوستایی و مهم‌تر از آن اشراف بر متون پهلوی و سبک و سیاق متون زند است. ترجمه زبان‌شناختی زند گاهان تا کنون در دنیا نمونه‌ای به این شکل نداشته، و به‌جز واژه‌نامه و یادداشت‌های مفصل و مهم دابار^۱، و یک مقاله از جوزفسون^۲ و دیگران، اثری جدی در این باره منتشر نشده است. روشن است که قدم‌های اول، همواره پر مشقت‌تر، جسورانه‌تر و دست‌نیافتنی‌ترند، با این حال، اگر نباشند همین قدم‌ها، این گونه مطالعات هیچ‌گاه به ثمر نخواهند نشست.

واژه‌نامه اوستایی-زند-فارسی در فصل چهارم، برای بررسی فوری برخی معادل‌ها و نیز درک بهتر ترجمه بسیار مفید و آگاهی‌بخش است.

این واژه‌نامه هر نیمه اوستایی را در سبک،

1) Dhabhar, B. N. 1949, *Pahlavi Yasna and Visperad*, Edited with an Introduction and Glossary of Select Terms, Bombay.

2) Josephson, J. 2003, "Remarks on the Pahlavi Version of the Gāthās", *Studia Iranica* 32, pp. 7-34.

شدن مفاهیم در این ترجمه‌ها بیان شده است، نسبتاً مفصل و قابل توجه است. در این بخش، ویژگی‌های متمایز زند گاهان و دلایل تمایز آن بیان و به‌خوبی تحلیل می‌شود که چرا نمی‌توان از آنها برای فهم بهتر متن گاهانی بهره جست و چرا در مواردی زند (و هر ترجمه دیگر) نمی‌تواند از برداشت مترجم فاصله بگیرد. با این حال در این بخش روشن نمی‌شود که پس دلیل پرداختن به متن زند چیست و چه مطالبی را می‌توان از آن دریافت کرد.

ظاهراً، نگارنده فاضل کتاب فواید این مطالعه را مسلم دانسته و بر اساس تواضع آن را از مقدمه خود کاسته است. با این همه می‌توان افزود که اهمیت پرداختن به زند، و حتی زند گاهان که در برطرف کردن پیچیدگی‌های متن اوستایی چندان سودمند نیست، روشن کردن برداشت زردشتیان ساسانی از متون مقدس خود است. بر اساس این ترجمه‌هاست که می‌توان میزان و کیفیت درک موبدان ساسانی و متعاقباً جامعه عوام زردشتی را از گاهان دریابیم. درک زردشتیان دوره ساسانی از گاهان می‌تواند ما را نه تنها در فهم دیگر متون سنتی زردشتی یاری کند، بلکه اطلاعات مهمی در زمینه دین‌شناسی و جامعه‌شناسی ایران آن دوران به دست خواهد داد.

یکی از ارزشمندترین اطلاعاتی که در این کتاب آمده است، در پایان مقدمه بخش سوم کتاب قرار گرفته است، جایی که درباره ترجمه هر یک از ذوات زردشتی و ترجمه زند آنها توضیحاتی آمده است. با خواندن این بخش، خوانندگان می‌توانند دریابند که اولاً ترجمه هر

ترجمه، کاربرد آن در هر بند و صرف و نحو نشان داده است و معادل زند در هر کاربرد را نیز به دست می‌هد. همچنین هر جا که مقدر بوده، معادل‌های سنسکریت واژه‌های اوستایی نیز آمده است. وجود نمایه نیز بر سهولت کار با این کتاب دو چندان می‌افزاید.

سیده فاطمه موسوی

واژه‌نامه موضوعی زبان‌های باستانی ایران (۱-۳)، زیر نظر حسن رضائی باغبیدی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۵، ۵۷۷ صفحه.

آن‌چنان‌که از نام کتاب پیداست، این واژه‌نامه نه بر اساس حروف الفبا، بلکه برحسب موضوع طبقه‌بندی شده و در کنار هم آمده است. از کهن‌ترین واژه‌نامه‌های موضوعی به زبان آریایی می‌توان از واژه‌نامه‌ای منظوم به زبان سنسکریت که منسوب به سده چهارم (یا به روایتی ششم) میلادی است، نام برد. این واژه‌نامه *آمرکوشه*^۱ «گنج نامیرا» نام دارد و تألیف دانشمندی بودایی به نام *آمرَسیمه*^۲ است. واژه‌نامه در سه فصل و دارای این عناوین است: فصل نخست با عنوان «آسمان و غیره»، فصل دوم با عنوان «زمین و غیره»، فصل سوم با عنوان «عمومی». این عناوین موضوعات گو ناگونه را در بر دارند. از ایران باستان نیز دو

نمونه واژه‌نامه موضوعی بر جای مانده که یکی فرهنگ *اَوسیم/اَوگ*^۳ است. واژه‌نامه کوچک موضوعی اوستایی به فارسی میانه زردشتی و دیگری فرهنگ *تَهلوویگ*^۴ که ۳۰ فصل و ۵۰۰ واژه را در بر می‌گیرد.

از بهترین نمونه‌های واژه‌نامه‌های موضوعی در زبان هندواروپایی، *واژه‌نامه گزیده‌ای از مترادف‌ها در زبان‌های اصلی هندواروپایی*^۵ اثر کارل دارلینگ باک^۶ است که در سال ۱۹۴۹ میلادی از سوی دانشگاه شیکاگو منتشر شد و دارای ۲۲ فصل است.

در ایران، کتاب محسن صبا با عنوان *فرهنگ بیان اندیشه‌ها* (تهران، نشر فرهنگ) را می‌توان نام برد که در سال ۱۳۶۶ منتشر شده است. هر چند که مدخل‌های این فرهنگ الفبایی است، ولی در کنار هر مدخل افزون بر مترادف‌های آن، واژه‌ها و ترکیب‌های وابسته بدان نیز وجود دارد. اما نخستین گنج واژه فارسی به مفهوم امروزی آن در سال ۱۳۸۷ با عنوان *فرهنگ طینی*، به کوشش جمشید فراروی (تهران، انتشارات هرمس) منتشر شد. در این گنج واژه حدود ۴۵ هزار واژه فارسی در ۶ طبقه، ۳۹ باب و ۹۹۱ مقوله طبقه‌بندی شده‌اند. همچنین به واژه‌نامه‌های موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو از جمله *واژه‌نامه خوری*، اثر بهرام فره‌وشی (تهران، انتشارات مرکز مردم‌شناسی ایران، ۱۳۵۵)، *فرهنگ موضوعی تالشی*، و ...

3) *Frahang ī Oīm Ēvag*

4) *Frahang ī Pahlawig*

5) *A Dictionary of Selected Synonyms in the Principal Indo-European Languages*

6) Carl Darling Buck

1) *Amarakoša*

2) *Amarasimpha*

و نشانه‌های افزوده ذکر شده است. *واژه‌نامه* موضوعی *زبان‌های باستانی ایران*، سه دفتر، دفتر نخست، بدن انسان و جانوران، نام‌های جانوران، دفتر دوم، گیاهان و اندام‌های گیاهی، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و دفتر سوم، خانواده و اصطلاحات خویشاوندی، مشاغل و مناصب را در بر می‌گیرد.

نگارش کتاب *واژه‌نامه* موضوعی زبان‌های باستانی ایران گامی سودمند، در زبان‌شناسی ایرانی است و در بررسی ریشه‌شناختی زبان فارسی و دیگر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و نیز *واژه‌گزینی* به‌کار خواهد آمد.

میترا فردی

MORANO, Enrico, PROVASI, Elio, and ROSSI, Adriano (ed.), *Studia Philologica Iranica; Gherardo Gnoli Memorial Volume*, Roma, 2017, ... pages.

مورانو، انریکو، پرواسی، الیو و روسی، آدریانو (ویراستاران)، *مطالعات فقه‌اللغه ایرانی: یادنامه* *گراردو نیولی*، رم، ۲۰۱۷، دوازده + ۵۲۳ صفحه.

گراردو نیولی (۱۹۳۷-۲۰۱۲م) از دانشمندان و پژوهشگران برجسته در حوزه تاریخ دین و زبان‌های ایران پیش از اسلام بود. او در سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۳م استاد زبان‌شناسی تاریخی زبان‌های ایرانی در دانشگاه شرق‌شناسی ناپل بود و در ۱۹۷۰م به مقام ریاست همان دانشگاه منصوب شد. نیولی از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۸م در دانشگاه ساپینزا در کرسی

خادمی ارده (رشت، انتشارات دانشگاه گیلان، ۱۳۸۷)، *فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی*، اثر جواد معراجی لرد (رشت، انتشارات بلور، ۱۳۸۸)، *گنجینه گویش‌شناسی فارس*، اثر عبدالنبی سلامی (تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۳-۱۳۹۳: ج ۱-۷) نیز می‌توان اشاره کرد.

در هر یک از بخش‌های *واژه‌نامه* موضوعی *زبان‌های باستانی ایران*، واژه‌های فارسی به ترتیب الفبایی مرتب شده و در زیر هر یک معادل یا معادل‌های آن در زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه، که زبان‌های اوستایی، سکایی باستان، مادی، فارسی باستان، پارسی کتیبه‌ای، پارسی مانوی، فارسی میانه کتیبه‌ای، فارسی میانه زردشتی، فارسی میانه مسیحی، فارسی میانه مانوی، پازند، سمرتی، بلخی، خوارزمی، ختنی، ئمشقی، سغدی، سغدی بودایی، سغدی مانوی و سغدی مسیحی را در بر می‌گیرند.

در *واژه‌نامه* موضوعی آمده است که واژه‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه به‌روش منابع و مآخذ مورد استفاده، حرف نویسی یا آوانویسی شده‌اند و تغییری در آنها داده نشده است. شیوه ارجاع به منابع به این صورت است که ابتدا نام نویسنده، گردآورنده یا مترجم، سپس تاریخ چاپ اثر و در پایان شماره صفحه یا صفحات، ذکر می‌شود. در استفاده از منابعی که افزون‌بر *واژه‌نامه* دارای متن نیز بوده‌اند، تنها به *واژه‌نامه* اکتفا نشده، بلکه به معنی واژه در بافت جمله نیز توجه شده است.

در بخش نخست اثر، راهنمای نشانه‌های حرف نویسی و آوانویسی، مصوت‌ها، صامت‌ها

«تاریخ دین در ایران و آسیای مرکزی» به تدریس و تحقیق پرداخت و از ۲۰۰۹م به‌عنوان استاد بازنشسته به فعالیت‌های علمی خود ادامه داد. آثار و آموزش‌های گرامر و نیولی در حوزه زبان‌شناسی تاریخی زبان‌های ایرانی بستر رشد مطالعات ایرانی و لغت‌شناسی ایرانی را در ایتالیا فراهم آورد.

نیولی در تأسیس انجمن ایرانی - اروپایی رم، در سال ۱۹۸۳م نقش مؤثری داشت. او رئیس مؤسسه ایتالیایی خاور میانه و خاور دور^۱ و رئیس مؤسسه ایتالیایی آفریقا و شرق^۲ بود. او همچنین عضو کمیته مشورتی و مؤلف *دائرةالمعارف/ایرانیکا*، عضو وابسته آکادمی ملی لنینی، آکادمی علوم تورین، عضو آکادمی علوم روسیه، آکادمی کتیبه‌ها و متون ادبی و انجمن آسیایی پاریس بود.

آثار نیولی تا پایان سال ۲۰۰۱م شامل هشت کتاب و بیش از دویست مقاله به زبان‌های ایتالیایی، انگلیسی، آلمانی و فرانسه در مجلات و مجموعه‌های خارجی است که از میان آنها شماری در *دائرةالمعارف/ایرانیکا* و *دائرةالمعارف دین* به چاپ رسیده است.

در سال ۲۰۰۳م جشن‌نامه‌ای^۳ به‌مناسبت شصت‌وپنجمین سالگرد تولد گرامر و نیولی به همت تعدادی از همکاران و شاگردان او، فراهم آمد و در چند بیست‌وچهارم مجموعه ایران‌شناسی زیر نظر نیکلاس سیمز - ویلیامز به

چاپ رسید.

کتاب حاضر نیز یادنامه‌ای در بزرگداشت استاد نیولی است که در آن ۲۳ مقاله از ایران‌شناسان معروف در حوزه زبان‌های ایرانی از باستان تا نو گردآوری شده است. برخی از مقالات این مجموعه عبارت است از «درباره منشأ واژه "افغان" و "پشتون"»^۴ نوشته چونگ، «زنانی که تولد زردشت را گواهی دادند»^۵ به‌قلم دیونگ، «درباره واژه اوستایی - nāuuia و پهلوی *nāydāg»^۶ از فیلیونه، «گویش‌های تاتی»^۷ از احسان یارشاطر، «قطعه‌ای به فارسی میانه مانوی در کتابخانه کیشوکو در اوساکای ژاپن»^۸ از یوشیدا. مقالات ارزشمند دیگری نیز به‌قلم ایران‌شناسان برجسته از جمله داندامایف، ژینیو، گیزلن، هیتسه، هومباخ، لازار، لکوک و ماتسوخ در یادنامه حاضر گرد آمده است. در این مجموعه، مقاله‌ای با عنوان «سه یادداشت ریشه‌شناختی»^۹ به‌قلم حسن رضائی باغبیدی درج شده که در آن ریشه‌شناسی سه واژه بشکول/بشکولیدن، دیزه و بلوچ بررسی شده است. بنابر تصریح مؤلف، تا کنون تحلیل ریشه‌شناختی برای واژه فارسی قدیمی baškūl باهوش؛ پرتحرک، فعال، سخت‌کوش» و

4) "On the Origin of the "Afghan" and "Pashtun" (Again)"

5) "The Women Who Witnessed Zoroaster's Birth"

6) "On the Meaning Avestan nāuuia- and Pahlavi *nāydāg"

7) "Tati Dialects"

8) "Manichaean Middle Persian Fragment Preserved in the Kyōushooku Library, Osaka, Japan"

9) "Three Etymological Notes"

1) Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente (IsMEO)

2) Istituto Italiano per l'Africa e l'Oriente (IsIAO)

3) Religious Themes and Texts of Pre-Islamic Iran and Central Asia

یادداشت سوم به واژه بلوچ اختصاص یافته است. مؤلف پس از اشاره به پیشینه پژوهش درباره ریشه‌شناسی و ساخت واژه بلوچ آورده است: واژه *balōč* با صورت قدیمی *bulōč* از شکل آغازین **brz-aučah*، ترکیبی از **brz-* «بلند، بلندی؛ تپه، کوه» و *-aučah* «اسکان، مسکن، محل سکونت» است. بنابر تصریح مؤلف، *-brz-aučah** را ترکیب *tatpuruṣa* (= ترکیب وابسته) به معنی «مسکن بلند، مسکن مرتفع، محل سکونت مرتفع» یا به معنی «اسکان در کوهستان» می‌توان دانست. همچنین می‌تواند، به‌عنوان ترکیب *bahuvrīhi* (= ترکیب دارندگی)، به معنی «دارنده مسکن مرتفع» یا «دارنده کوهستان به‌عنوان محل سکونت، ساکن در کوهستان، کوهستانی» باشد. او تحول ایرانی آغازی *-brz-aučah** به فارسی *bulōč* و سپس به *balōč* با تحول معمول ایرانی جنوب غربی **rz* < l را این‌گونه بیان می‌کند: **brz-aučah* < **burzōč* < *bulōč* < *balōč*.

یلدا شکوهی

NOURZAEI, Maryam, *Participant Reference in Three Balochi Dialects, Male and Female Narrations of Folktales and Biographical Tales, Uppsala, 2017, 715 pages.*

نورزایی، مریم، *ارجاع به مشارک‌ها در سه گویش بلوچی، روایت‌های زنان و مردان از قصه‌های عامیانه و شرح حال‌نامه‌ها*، اوپسالا، ۲۰۱۷، ۷۱۵ صفحه.

baškūlīdan «انجام‌دادن چیزی به چالاکی یا با مهارت یا هوشمندانه؛ سخت کار کردن؛ خردمند بودن؛ حرکت کردن» پیشنهاد نشده است. به‌نظر مؤلف، این لغات می‌تواند از ریشه ایرانی آغازین *-sku(n)** «خردمند بودن؛ سحرآمیز بودن، دارای قدرت جادویی» باشد. صفت مفعولی این ریشه، *-skūta** با پیشوند **pati-* به صورت‌های *baškūl*، *pažkūl*، *baškūl* و *bažgūl* گسترش یافته است. در ادامه مقاله، رضائی باغبیدی یادآور می‌شود که در متون فارسی میانه زردشتی، فارسی میانه مانوی، ارمنی، گرجی، آسی و حتی متن‌های آرامی تلمودی، به حیوانی افسانه‌ای با بدن شیر و سر و بال عقاب اشاره شده است. در متون فارسی میانه زردشتی، این حیوان افسانه‌ای *baškuč* نامیده می‌شود و مشتق از ریشه *-sku(n)** با پیشوند **pati-* و پسوند مؤنث‌ساز *-ti-* است.

یادداشت بعدی درباره ریشه‌شناسی واژه دیزه است. مؤلف آورده است که این واژه در فرهنگ‌های فارسی به معنی «سیاه، خاکستری تیره» ذکر شده است. در شاهنامه نیز دیزه اشاره به «اسب سیاه» است. رضائی باغبیدی بر آن است که واژه *dēza* از فارسی میانه **dēzag* > ایرانی آغازی **daj-ya-ka* از ریشه **daj-* «سوختن» مشتق شده است. از ایرانی آغازی **daj-ya-* در اوستایی *-daža* و در فارسی میانه زردشتی *-daz* باقی‌مانده است. او تحول معنایی واژه *dēza* را سوخته < سیاه؛ خاکستری تیره < اسب سیاه پیشنهاد می‌کند و گسترش معنایی خاکی < خاکی‌رنگ < تیره < سیاه، خاکستری تیره < اسب سیاه را دور از احتمال دانسته است.

زابل، هامون، محمدآباد، زاهدان تا خاش)، در استان خراسان رضوی (در سرخس)، به صورت پراکنده در استان گلستان، در آزادشهر، گرگان، گنبدکاووس و کلالة. در افغانستان (در نیمروز، کنگ، چخانسور، زرنج، چهاربُرَجک و رودبار). در ترکمنستان، در منطقه ماری. بلوچی ساحلی در ایران زبان منطقه وسیعی از سواحل دریای عمان است شامل دشت یاری، چابهار، کُنازک، کاروان تا جاشک، میناب و بندرعباس در استان هرمزگان و همچنین در عمان و امارات. در پاکستان، در طول ساحل دریای عمان تا دره کِچ به بلوچی ساحلی سخن می‌گویند و جمعیت قریب به اتفاق بلوچ‌ها در کراچی به این زبان صحبت می‌کنند. بلوچی کُرشِی که در منطقه وسیعی از جنوب غربی ایران به آن تکلم می‌شود، به‌ویژه در هرمزگان، بوشهر و استان فارس. گویشوران کُرشِی در روستاهای نزدیک شهرهای بزرگ و نیز خارج از مناطق نام‌برده زندگی می‌کنند. به‌لحاظ تعداد، بیشترین گویشوران کُرشِی را نخست بندرعباس واقع در استان هرمزگان، سپس نواحی جنوبی و شمال غربی استان فارس در خود جای داده است. زبان بلوچی از دیگر گویش‌های مناطق بلوچ‌نشین بسیار تأثیر پذیرفته و این امر موجب ایجاد تنوع بیشتر در گونه‌های مختلف آن شده است. در ایران زبان بلوچی با زبان فارسی، سیستانی، بَشکَرَدی، بَراهویی (از زبان‌های دراویدی)، جَدگالی و ترکی، در افغانستان با دری و پشتو، در پاکستان با چند زبان هندوآریایی (مانند اُردو، پنجابی، لُندا و سندی)، پشتو، انگلیسی و براهویی، در مناطق خلیج

بلوچی همچون دیگر زبان‌های ایرانی به شاخه هندوایرانی خانواده زبان‌های هندواروپایی تعلق دارد و از گویش‌های متفاوتی تشکیل شده است که در بسیاری سطوح دستوری با هم تفاوت دارند. براساس نظریه کارینا جهانی و اگنس کُرن (۲۰۰۹: ۶۳۶-۶۳۷)، زبان بلوچی به گروه شرقی، غربی و جنوبی تقسیم می‌شود؛ اگرچه گونه‌هایی از آن را چون سَراوانی و پَنجگوری نمی‌توان در هیچ‌یک از این گروه‌ها قرار داد.

برای آگاهی از پیشینه پژوهش‌هایی که تاکنون درباره بلوچی و طبقه‌بندی گونه‌های مختلف آن صورت گرفته است، رک: گایگر (۱۸۸۹)، دیمز (۱۸۹۱)، گریسون (۱۹۲۱)، الفنباین (۱۹۶۶)، بارکر و مینگال (۱۹۶۹)، کارلتون (۱۹۸۷) و جهانی (۱۹۸۹-۲۰۰۱ و ۲۰۰۳).

کتاب حاضر به بررسی و تجزیه و تحلیل نحوه ارجاع به مُشارک‌ها در سه نمونه از قصه‌های عامیانه و سه نمونه از شرح‌حال‌نامه‌ها در سه گونه از زبان بلوچی پرداخته است: بلوچی سیستانی، بلوچی ساحلی و کُرشِی. گویشوران بلوچی سیستانی در متهاالیه شمال و بلوچی ساحلی در متهاالیه جنوب استان سیستان و بلوچستان، واقع در جنوب‌شرقی ایران، زندگی می‌کنند. کُرشِی گویش بلوچانی است که اکثراً به استان فارس، واقع در جنوب غربی ایران، مهاجرت کرده‌اند.

مناطق که گویشوران در آن به بلوچی سیستانی تکلم می‌کنند، در ایران عبارت است از: در سیستان و بلوچستان (حوالی زَهک،

آواشناسی و آوانگاری، نظام حالت در بلوچی، اصطلاحات عام و تخصصی، (۲) داده‌ها، جایگاه کنونی و پیشین سنت شفاهی در گونه‌های مورد بحث از زبان بلوچی، انتخاب پیکره‌های مورد نظر، شیوه‌های روایت متون، قصه‌های عامیانه و شرح حال‌نامه‌ها، (۳) روش تحقیق و رویکرد نویسنده در تحلیل ارجاع به مشارک‌ها، مقایسه رویکردهای مختلف در موضوع مورد بحث، شیوه آوانگاری و ترجمه متون، انواع گفتمان و نمونه‌ای از متون قصه‌های عامیانه، (۴) تحلیل ارجاع به مشارک‌ها در بلوچی ساحلی، قصه‌های عامیانه، شرح حال‌نامه‌ها، نشانه‌گذاری‌های پیش فرض، (۵) تحلیل ارجاع به مشارک‌ها در بلوچی کُرشلی، قصه‌های عامیانه، شرح حال‌نامه‌ها، نشانه‌گذاری‌های پیش فرض، (۶) تحلیل ارجاع به مشارک‌ها در بلوچی سیستانی، قصه‌های عامیانه، شرح حال‌نامه‌ها، نشانه‌گذاری‌های پیش فرض، (۷) مقایسه نحوه ارجاع به مشارک‌ها در بلوچی ساحلی، مقایسه میان قصه‌های عامیانه با شرح حال‌نامه‌ها از دو منظر ویژگی متن‌ها و جنسیت راویان، (۸) مقایسه نحوه ارجاع به مشارک‌ها در بلوچی کُرشلی، مقایسه میان قصه‌های عامیانه با شرح حال‌نامه‌ها از دو منظر ویژگی متن‌ها و جنسیت راویان، (۹) مقایسه نحوه ارجاع به مشارک‌ها در بلوچی سیستانی، مقایسه میان قصه‌های عامیانه با شرح حال‌نامه‌ها از دو منظر ویژگی متن‌ها و جنسیت راویان، (۱۰) مقایسه نحوه ارجاع به مشارک‌ها در سه گونه بلوچی ساحلی، بلوچی کُرشلی و بلوچی سیستانی، قصه‌های عامیانه و شرح حال‌نامه‌ها به

فارس با عربی، در آفریقای شرقی با زبان‌های بانتو مانند سواحیلی و در ترکمنستان با ترکمنی در تماس است.

هدف نویسنده در این پژوهش که موضوع رساله دکتری اوست، بررسی و تحلیل نحوه ارجاع زنان و مردان به مشارک‌های قصه‌های عامیانه و شرح حال‌نامه‌ها در سه گونه از زبان بلوچی در ایران است. در این پژوهش شش پیکره زبانی از قصه‌های عامیانه و شرح حال‌نامه‌ها که راوی آنها زنان و مردان بوده‌اند، گردآوری و به لحاظ ساختاری تجزیه و تحلیل شده است. بنا به تصریح مؤلف، انگیزه انتخاب او از دو نوع پیکره آن بوده است که متون داستانی اغلب چند مشارک دارند، حال آنکه اغلب شرح حال‌نامه‌ها حاوی مشارکی منفرد است و نحوه روایت هر یک از این دو نوع از سوی راویان زن و مرد متفاوت و به لحاظ زبان‌شناختی حائز اهمیت است. از سوی دیگر، قصه‌های عامیانه مبتنی بر ادبیات شفاهی‌اند و با تکیه بر حافظه فردی روایت می‌شوند، حال آنکه شرح حال‌نامه‌ها بی‌مقدمه و به صورت خودانگیخته بیان می‌شوند. ازین رو گفتمانی متفاوت دارند. لازم به ذکر است که مؤلف در این پژوهش از رویکرد لوینسون^۱ (۱۹۹۴) در تحلیل گفتمان پیروی کرده است.

کتاب از یازده بخش تشکیل شده است و عناوین: سرفصل‌های آن عبارت‌اند از: (۱) مقدمه، هدف از تحقیق، بلوچی و گویش‌های مختلف آن، توصیف گونه‌های زبانی مورد بحث،

1) Levinsohn

می‌شود، دراصل زبان ناحیه پرتوه < pahlaw، مربوط به ایرانی میانه شمال غربی بوده است که امروزه پارسی نامیده می‌شود.

کتاب حاضر به توصیف آواشناسی تاریخی فارسی میانه و به تبیین ویژگی‌های اساسی آن پرداخته است. مؤلف این اثر کوشیده است فهرست کاملی از تحولات آواشناختی را از دوره باستان به دوره میانه، با ذکر شواهد، ارائه کند. او همچنین چشم‌اندازی کلی از قواعد مختلف آوایی در فارسی میانه را ترسیم کرده است. این کتاب، همان‌گونه که مؤلف در دیباچه آن تصریح کرده است، اگرچه حاوی اطلاعاتی مربوط به ریشه‌شناسی بسیاری از واژه‌های فارسی میانه است، به مبحث ریشه‌شناسی فارسی میانه نپرداخته است.

مندرجات این اثر به شرح زیر است:
دیباچه به تبیین جایگاه زبان فارسی میانه در خانواده زبان‌های ایرانی و ذکر آثار بازمانده از آن، از قدیم‌ترین تاریخ با ذکر موضوع و زمان نگارش آنها اختصاص یافته است. در ادامه مؤلف طی یادداشتی کوتاه هدف خود را از انتشار کتاب توضیح داده است. پس از فهرست **کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها**، در بخش **توضیحات مقدماتی** به اختصار به ذکر انواع واکه و همخوان در فارسی باستان و فارسی میانه پرداخته و تحولات آن را با ذکر مثال نشان داده است. بخش **تاریخچه واکه‌های فارسی میانه** به تحولات واکه‌ای از دوره باستان تا دوره میانه با ارائه شواهد اختصاص یافته و در بخش **تاریخچه همخوان‌های فارسی میانه** تحولات همخوانی از دوره باستان تا میانه با ذکر شواهد

روایت زنان و مردان، مقایسه آنها از منظر گویشی و نتیجه‌گیری، (۱۱) نتیجه‌گیری کلی، پیشنهادهای نویسنده برای تحقیقات بعدی و توسعه روند تحقیق، فهرست منابع و پیوست. در پیوست، برای هر یک از سه گونه بلوچی سیستانی، بلوچی ساحلی و کُرشلی دو نمونه متن از قصه‌های عامیانه و شرح‌حال‌نامه‌ها، به روایت از دو گویشور زن و مرد، آوانگاری و به انگلیسی ترجمه شده است. شایان ذکر است که نسخه پی‌دی‌اف کتاب، همچنین پیوست B-D در آدرس اینترنتی زیر قابل دسترسی است:

<http://urn.kb.se/resolve?urn=urn:nbn:se:uu:diva-314090>

جمیله حسن‌زاده

Rezaï Baqhbidi, Hassan, Middle Persian Historical Phonology, Osaka, 2017, 193 pages.

رضائی باغبیدی، حسن، آواشناسی تاریخی فارسی میانه، اوساکا، ۲۰۱۷، ۱۹۳ صفحه.

به لحاظ زبان‌شناختی، زبان فارسی میانه به شاخه جنوب غربی زبان‌های ایرانی میانه تعلق دارد و ادامه مستقیم فارسی باستان و نیای فارسی امروز است. گفتنی است که فارسی میانه در آغاز پارسیگ نامیده می‌شده، زیرا زبان بومی منطقه پارس، سرزمین مادری حکومت ساسانی، واقع در جنوب غربی ایران بوده است. اصطلاح پهلوی که گاهی به فارسی میانه اطلاق

شواهد مربوط به هر یک از آنها به تفکیک زبانی و با ترتیب الفبای لاتینی نمایه شده است. لازم به ذکر است که مؤلف در این کتاب برای آوانگاری واژه‌های اوستایی از شیوه هوفمان (۱۹۸۹) و آوانگاری فارسی میانه از روش مکنزی (۱۹۸۶)، با اندکی تغییر در برخی شواهد، پیروی کرده است.

جمیله حسن‌زاده

بررسی شده است. بخش دیگر که به بررسی رفتار آواشناختی فارسی میانه با وام‌واژه‌ها اختصاص یافته است، به ذکر انواع وام‌واژه‌ها پرداخته و تحولات آنها را پس از ورود به فارسی میانه و گونه‌های دیگر آن بررسی کرده است. کتاب‌شناسی و نمایه‌ها بخش پایانی کتاب را تشکیل می‌دهد. در بخش نمایه‌ها، ابتدا اسامی زبان‌هایی که در بخش‌های مختلف کتاب شواهدی از آنها ارائه شده است، سپس

